



دردسرهایی ازدواج جوانان، جشن‌های پر تجمل عروسی از رویا تا کابوس

یک عروسی ساده 40 میلیون خرج بر می‌دارد. مناسبت‌های مذهبی معمولاً زمان مناسبی برای برگزاری جشن‌های نامزدی و مراسم‌های عروسی در ایران هستند.

یک عروسی ساده 40 میلیون خرج بر می‌دارد. مناسبت‌های مذهبی معمولاً زمان مناسبی برای برگزاری جشن‌های نامزدی و مراسم‌های عروسی در ایران هستند. خانواده‌ها برای نوعروس و دامادهایی که منتظر زمان مناسب برای برگزاری جشن عروسی‌شان بودند از ماه‌ها قبل برنامه ریزی می‌کنند تا در این مناسبت‌های فرخنده آنها را روانه خانه بخت کنند. جشن عروسی تقریباً از کودکی رویای بسیاری پدر و مادرها برای فرزندانشان هست. رویایی که شاید امروز دیگر آنقدرها هم شیرین نیست و بیشتر شبیه کابوسی از هزینه‌ها و سنت‌های عجیب و غریب و اختلاف آور شده است.

یک میلیون و 500 اجاره یک شب لباس عروس

به گزارش سلامت نیوز، روزنامه روزان در ادامه نوشت: یک گشت زدن ساده در خیابان جمهوری یا کوچه برلن و نگاه کردن به ویترین‌های لباس عروس و تاج و ... خیلی چیزها به شما می‌گوید. مدل‌های مربوط به لباس‌های عروس خانم‌ها، عموماً برگرفته از شکل ژورنال‌های وارداتی هستند که تا حدودی دچار تغییرات شده‌اند. به بهانه گزارش وارد یکی از مزون‌های بزرگ جمهوری می‌شوم و از نزدیک به لباس‌ها نگاه می‌کنم. بعضی از لباس‌ها به شدت زمخت هستند و برخی نرم و لطیف. در این میانه اما عروس و دامادها هم مشغول انتخاب هستند. دختر جوانی که ظاهراً برای نامزدی به دنبال لباس است در گوشه‌ای از مغازه مشغول بحث با مادرش و داماد است. صدای پیچ‌پچه‌هایشان آرام آرام تبدیل به فریاد می‌شود. داماد عصبانی است و از مغازه خارج می‌شود. دخترک غمگین بغض کرده و به زمین خیره شد. مادرش اما کلافه به هر دو طرف که حالا به دو سوی مختلف می‌روند، نگاه می‌کند. مادر با ناراحتی و حجب و حیا می‌گوید: امان از دست این بچه‌ها. سرش را پایین می‌اندازد. عروس خانم دست روی یک مدل بسیار گران قیمت گذاشته که ظاهراً اجاره یک شب آن یک میلیون و 500 هزار تومان است.

مدل 2015 لباس عروس شبی 2 میلیون تومان

زمان زیادی از چرخیدنم در فروشگاه خیابان جمهوری می‌گذرد که یکی از فروشنده‌ها سراغم می‌آید. به او می‌گویم دنبال مدلی خاص می‌گردم و دلم می‌خواهد مدل تک باشد. لبخندی می‌زند که نشان می‌دهد این جمله را بارها و بارها شنیده. یکی از مدل‌ها را نشانم می‌دهد و می‌گوید این جدیدترین مدل 2015 است. نمونه این مدل برای عروسی یکی از هنرپیشه‌های معروف هالیوودی نیز استفاده شده!!! دختر ادامه می‌دهد که لباس از جنس خاصی دوخته شده و متعلق به یک برند معتبر فرانسوی است. فروشنده کمی مردد است که من تنها هستم اما بالاخره بدون حضور داماد و همراهان به من قیمت را اعلام می‌کند. این لباس برای شما 2 میلیون تومان است. تن پوش اول و بسیار زیباست. با تعجب می‌پرسم 2 میلیون؟ خیلی بالا نیست؟ فروشنده انگار تعجب کرده می‌گوید: شما خودتان یک چیز تک خواستید و گرنه چیزهای معمولی هم داریم که از 500 هزار تومان شروع می‌شود. اینها معمولاً تن پوش اول نیستند. می‌پرسم از کجا بفهمم که لباس عروس تن پوش اول است. او توضیح می‌دهد که لباس عروس نو دارای سفیدی و روشنی خاصی است که در تن پوش‌های دو و سه وجود ندارد به نظر این حرف چندان منطقی نبود.

گرم عروس: یک تا 7 میلیون تومان

بازار لباس عروس و داماد یکی از مباحثی است که در این بخش وجود دارد اما ظاهراً قسمت‌های دیگر کابوس آورتر از لباس عروس هستند. تلفن را بر می‌دارم و به چند نفر از آرایشگران زن که سایت هم دارند زنگ می‌زنم. منشی بعد از کلی آب و تاب توضیح می‌دهد که باید حضوری مراجعه کنم تا خانم آرایشگر میمیک صورتم را ببینند و نظر بدهند. او ادامه می‌دهد که قیمت‌ها با گرم و بدون گرم بسیار متفاوت است. اما معمولاً از مرز 1 میلیون تومان که برای یک نامزدی ساده است شروع می‌شود و تا الی ماشاءالله بالا می‌رود. از او می‌پرسم که اگر گرم خاصی بخواهم مبلغ معمول چقدر است. عددی که شنیدم باورنکردنی بود. منشی با آرامش پاسخ داد: بالغ بر 7 میلیون تومان برای گرم خاص و آرایش کامل هزینه دریافت می‌شود که البته شامل عروسی، حنابندان و ... است و مابقی موارد به عنوان تخفیف خدمات است!!!

یک مراسم ساده عروسی با 40 میلیون تومان

قیمت‌های نجومی تا اینجای راه مرا هم به وحشت انداخته چه برسد به دامادهای جوانی که عموماً سرمایه‌های آنچنانی در زندگی ندارند. در همان خیابان جمهوری دنبال یک عروس و داماد می‌گردم تا در حین خرید با آنان مصاحبه کنم. بالاخره یک زوج خوشحال و خوشبخت را که کنار خیابان پیراشکی می‌خورند پیدا می‌کنم. لایلاً 25 ساله و مهدی 27 ساله است. مهدی می‌گوید با همسرش قرار گذاشته‌اند تا همه چیز را ساده برگزار کنند اما متأسفانه خانواده‌ها اجازه این کار را به آنها نداده‌اند. از زمان عقد آنها یکسال گذشته و هنوز نتوانسته‌اند با وجود کمک والدینشان هزینه‌های عروسی را تهیه کنند. مهدی می‌گوید: پدر و مادر من و همسرم بارها و بارها گفته‌اند که آرزوی دیدن ما در لباس عروسی را دارند. این در حالی است که یک مراسم ساده عروسی نزدیک به 40 میلیون تومان هزینه دارد؛ در حالیکه ما می‌توانیم این هزینه را اول زندگی برای تهیه خانه خرج کنیم.

اصرار پدر و مادرها به برگزاری مراسم عروسی پر خرج

مهدی وقتی به اینجای بحث می‌رسد با دلخوری می‌گوید: در بسیاری از هزینه‌ها پدر و مادرها به ما کمک کرده‌اند اما مشکل اینجاست که اگر فشار آنان نبود نیاز چندانی به کمک هم وجود نداشت و ما هم اینقدر استرس و اضطراب نداشتیم. پدر من برای عروسی ما مجبور شد یکی از زمین‌های شهرستانش را بفروشد تا به قول خودش آبرو داری کند.

جهیزیه آنچنانی برای پدر کردن چشم فامیل

لایلاً در ادامه صحبت همسرش می‌گوید: مشکل اینجاست که برای خرید جهیزیه هم این خانواده‌ها هستند که در برخی موارد منته به خشخاش می‌گذارند. مثلاً مادر من به خاطر حرف مردم از من می‌خواهد که وسایل برقی بلااستفاده را نیز خریداری کنم تا در چشم فامیل کم نیاورم! مهدی یکباره انگار چیزی به ذهنش رسیده باشد، میان کلام همسرش می‌پرد و می‌گوید: عقد و عروسی و ماجراهای مالی آن یک طرف، رسم و رسوماتی که خانواده‌ها درگیر آن هستند طرف دیگر. مثلاً خانواده من اصرار دارند که روز پاتختی به رسم قدیم همه بزرگان فامیل صبحانه را با عروس و داماد بخورند و هدیه بدهند در حالیکه من و همسرم دوست داریم فردای عروسی راحت باشیم و برای ماه عسل به سفر برویم اما اصرار خانواده‌ها باعث شده که مجبور به گرفتن این رسم هم باشیم.

تالار معمولی شبی 20 میلیون تومان

تالارها هم بخش دیگری از ماجرا هستند که سر زدن به آنها خالی از لطف نیست. چند تالار پذیرایی را از قسمت نیازمندی‌های روزنامه پیدا می‌کنم و تماس می‌گیرم. یکی از تالارهایی که تقریباً در مرکز شهر است و چندان شیک نیست، می‌گوید: ورودی تالار برای 500 مهمان 5 میلیون تومان است که البته با احتساب هزینه غذا، موسیقی، اتاق عقد، سفره شام عروس و داماد و نورپردازی به مرز 20 میلیون تومان می‌رسد.

اینکه خانواده‌ها با وجود این هزینه‌های گزاف، فرزندانشان را مجبور می‌کنند مراسم عروسی را با تجملات برگزار کنند، ساخته عرف جامعه است. تحمیل هزینه‌های سنگین و فشار عصبی ناشی از رسم و رسوماتی بی دلیل برای یک شب که بدهی آن تا سال‌ها روی دوش زوج‌های جوان کم درآمد سنگینی می‌کند. شاید لازم باشد همه ما، نه تنها پدران و مادران، در باورهای ذهنی مان تجدید نظر کنیم و به یاد بیاوریم که ازدواج پیوند مقدسی در راستای عبور از من و رسیدن به ما است. آمارها نشان می‌دهد این همه هزینه و فشار عصبی نه تنها کمکی به تقدیس این رابطه نمی‌کند بلکه روز به روز بر تعداد زوج‌های طلاق گرفته هم بیشتر می‌شود. طلاق‌هایی که یکی از دلایل اصلی آن مشکلات اقتصادی است و نشان می‌دهد این رسم و رسومات پر هزینه مدت هاست که تبعات سختی برای زوج‌های جوان داشته است. مشکلاتی که مسبب آن خود خانواده‌ها و یا چشم و هم چشمی زوجین با اقوام و دوستان است فقط برای اینکه نشان بدهند خیلی خاص هستند.